

تریبون آزاد جانبازان

علی اکبر داستان پور، جانباز ۷۰درصد شیمیایی میهمان این هفته ستون تریبون آزاد جانبازان



جانبازان شیمیایی را دریابید

من در تاریخ ۶۵/۱۱/۱۰ در شلمچه مجروح شدم. در لشکر ۱۴ امام حسین(ع) گردان حضرت رسول(ص) نیروی پیاده بودم. وقتی جواب پاتک دشمن را دادیم و در حال تحویل خط بودیم ناگهان هواپیماهای دشمن حمله کردند و با راکت شیمیایی منطقه را آلوده و بسیاری از رزمندگان را مجروح کردند. هنگام پخش گازهای شیمیایی چشمم و بدنمان شروع به سوزش کرد و خون بالایامی آوردیم. وضعیت سختی بر رزمندگان حاکم شده بود و چون توسط گاز شیمیایی خردل آلوده شده بودیم بدنمان تاول زده بود و می‌سوخت. بعضی از دوستانم شهید شدند و من هم جانباز ۷۰درصد شیمیایی شدم.

بعد از مجروحیت عمل‌های پیی در پی انجام دادم. چندین عمل پیوند روی چشم‌هایم انجام دادم ولی در آخر یکی از چشم‌هایم نابینا شد و آن یکی دید بسیار کمی دارد. وضعیت چشم‌هایم به گونه‌ای شده که دیگر نمی‌توان هیچ عملی روی آن انجام داد و بسیاری از مواقع درد بسیار زیادی را در چشم‌هایم تحمل می‌کنم. دکترها جوابم کرده‌اند و گفته‌اند الان هیچ کاری نمی‌شود روی چشم‌هایت انجام داد و در آینده با پیشرفت علم پزشکی شاید راه جدیدی به وجود بیاید و بتوانیم کاری انجام دهیم. همه کسانی که در منطقه توسط دشمن موب‌های شیمیایی جانباز شدند از لحاظ چشم و ریه صدمات زیادی دیدند که هنوز هم همراهشان است. الان هم همه جا اکسیژن همراهم هست و نمی‌توانم بدون آن جایی بروم. به همین دلیل حضور در جامعه داشتن فعالیت‌های اجتماعی برایم سخت است و مجبورم در خانه بمانم.

بنیاد شهید نقشش را خوب ایفا می‌کند ولی جانبازان شیمیایی از لحاظ تأمین دارو توقع زیادی دارند. بنیاد داروهای ما را تأمین می‌کند ولی گاهی جانبازان شیمیایی که نه چشم دارند و نه می‌توانند در دست نفخ بکشند برای تأمین برخی داروها به مشکل برمی‌خورند و باید آنها را آزاد بخرند. بعضی داروها گران است و هزینه آن تا ۴۰۰، ۵۰۰ هزار تومان هم می‌شود و برای تأمین آن باید تا آن سوی شهر برویم و یا هزینه شخصی‌مان بخریم و بعد از نشش ماه پولش را از بنیاد با بیمه بگیریم. خرید این داروها با حقوق یک و نیم میلیون تومانی ما خیلی سخت است و باعث مشکلاتی برایمان می‌شود. به هر حال شرمندگی آن برای جانباز و سختی‌اش برای خانواده‌اش می‌ماند.

به نظر من مسئولان باید توجه داشته باشند که صرف تخصصی اعتباری برای رفع مشکل جانبازان کفایت نمی‌کند. خود من به دلیل وضعیت جسمی‌ام، به فرض اینکه مشکل مالی من نداشته باشم در تأمین آنها به مشکل برمی‌خورم. پس باید براساس شرایط یک جانباز تمهیدات لازم برای آنها اندیشیده شود. امیدوارم راه‌حلی برای حل مشکل تأمین دارو و مشکلات مالی جانبازان شیمیایی و قطع نخاعی اندیشیده شود. توجه داشته باشید که ما عمده دارمدمان صرف تأمین دارو می‌شود، پس براساس نیاز هر جانباز به راحتی می‌توان اعتبار لازم را تخصیص داد. اما در این خصوص یک دید کلی وجود دارد و نیازسنجی منطبق بر واقعیات زندگی یک جانباز صورت نمی‌گیرد.

پویان شریعت

چندی است که به بررسی پیام‌ها و فرمان‌های حضرت امام در خصوص دفاع مقدس می‌پردازیم. حضرت آقا روح... طی پیامی جنگ را در رأس امور کشور خواند و در فرمانی دیگر، در زمانی که حرف وحدیت‌هایی در میان بعضی مسئولان مبنی بر به دست آوردن یک پیروزی یا جنگیدن تا پیروزی کامل بود، شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم را مطرح کردند. برای بررسی ابعاد و اهداف این شعار بر آن شدیم گفت‌وشنودی را با فرمانده گردان مکانیزه لشکر ۲۵ کر بلا در دوران دفاع مقدس، جانشین تیپ تکاور دریایی ۱۲۰ انفار عو و جانشین تیپ امامت شهرستان چالوس که در حال حاضر از مسئولین نظارت و ارزشیابی قرارگاه مرگزی امام حسین (ع) در ستاد فرماندهی کل سپاه پاسداران است، ترتیب دهیم.

□□□

امام طی پیامی فرمودند جنگ در رأس امور است و این سخن به نوعی در تداوم شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه بود. شما به عنوان یک رزمنده در دوران دفاع مقدس بفرمایید برداشتان از این سخن چیست؟

صدام تمام امکانات خود و افراد کشورش را بسیج کرده بود که به بحث جنگ بپردازند. بعد از عملیات نصر ۴ بحث عقب‌نشینی فاو پیش آمد. در آن مقطع یادم است می‌گفتند ماسک شیمیایی ۶۵۰۰ تومان است. در همان مقطع بعضی نمایندگان برای انتخابات مجلس میلوینی خرج کردند و می‌گفتند نداریم. ما وقتی می‌خواستیم رزمندگان را به منطقه اعزام کنیم بوس و اتوبوس نداشتیم که این بچه‌های مردم را سوال کنیم تا به منطقه جنگی ببریم. مردم جنگ را در رأس امور خود قرار دادند نه دولتی‌ها. بحث تغذیه یکی از کمترین کارهایی بود که می‌توانستند انجام دهند و هیچ گاه نمی‌توان کمک‌های مردمی را یا دولتی مقایسه کرد. مردم بودند که حرف امام را زمین نگذاشتند و پای آن ایستادند. دولتی‌ها کجا بودند در آن مقطع.

وقتی صدام بعد از قطعنامه حمله کرد و در خوزستان تابد حردان، در غرب تا چهار زیر و تصرف اسلام‌آباد پیشروی کرد یک همت مضاعف از سوی مسئولان، ائمه جمعه، نمایندگان،دولتی‌ها در کنار همت همیشگی ملت رخ داد و این بحران در حد یک هفته تمام شد و کنترل و مهار شد. اگر این همت مضاعف را و این احساس تکلیف و مسئولیت امسولان امور کمی زودتر در سال‌های ابتدایی دفاع مقدس احساس می‌کردند مطمئناً سرتنوشت جنگ طور دیگری رقم می‌خورد.

مثلاً یادم است در گردان مکانیزه لشکر ۲۵ کر بلا بودم که یک نفر برامی خواستم از فلو به اندیمشک منتقل کنم. رقتیم در قرارگاه در صف ایستادیم تا نوبتمان برسد تا



مروری بر شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه امام (ره)» در گفت‌وگوی جوان با سرهنگ پاسدار مرادخانی

جنگ در رأس امور ملت بود، نه دولت!



در طول تاریخ بعد از انقلاب اگر واقعاً بررسی کنید، همیشه می‌بینید امام و رهبری هر وقت به مواردی اشاره کردند، مردم و ملت آمدند در رأس قرار گرفتند و همت کردند و صدای طبل را شنیدند و حرکت کردند. اما برخی از مسئولان ادای شنیدن صدای طبل را در آوردند و آن هم در جهت بهره‌برداری‌های خودشان

نگاه امام خود به حرکت درآمده بودند و ساحل نداشتند آرام گیرند. هر گاه امام‌شان آرام می‌شد، آرام می‌گرفتند. الان هم همین‌طور است. یک ظرفیت و قدرت بالقوه در ملت ایران نهفته بود که باید به بافعل تبدیل می‌شد که نشد. عدم هماهنگی باعث شد که نتوانستیم از این توان استفاده کنیم.

آقای شمخانی معتقد است در زمانی که دفاع روی داد، این نیروهای مسلح بودند که با متجاوز می‌جنگیدند و مثال می‌زند می‌گوید همان گونه که در اول جنگ معتقد بودم سپاه خوزستان است که با رژیم بعث می‌جنگند که کل سپاه پاسداران نظر شما در این خصوص چیست؟ مگر ملت ایران سرس تا با گوش به فرمان امام نبودند؟

بعضی از آقایان برداشت‌های خودشان را دارند. تعداد شهدا را نگاه کنید. چند درصد آن نظامی بودند؟ شخصیت، هویت و شغل رزمندگان و شهدا مشخص است. سپاه طبق دستورالعملی که داشت توانست تا حدودی این ظرفیت مردمی در قالب بسیج استفاده کند و به کارگیری کند. در هنگامی مسئولان هنوز دسترسی نداشتند. اگر مسئولان چه در زمان دفاع مقدس و چه اکنون از صدرصد همگامی ملت و رزمندگان را در مسائل را دارند که به علت عدم هماهنگی مسئولان هنوز دسترسی نداشتند. اگر مسئولان در زمان دفاع مقدس و چه اکنون از صدرصد همگامی ملت و رزمندگان را در مسائل را در اختیار نداشتند، اما خیلی جاهادولت‌ها زور می‌زند تا ملت را همگام کنند. اما در ایران چه در زمان دفاع مقدس چه اکنون ملت خیلی جلوتر از مسئولان حرکت می‌کنند.

یکی از مسئولان می‌گوید در دفاع مقدس ما نتوانستیم از ظرفیت‌های کشور استفاده کنیم. روزی هم که خواستیم این کار را بکنیم خیلی دیر شده بود. نظر شما در این خصوص چیست؟
در داخل ایران خیلی‌ها آمدند خودشان را متولی خیلی از امور معرفی کردند اما آن وظیفه‌ای را که در قبال متولی بودند نداشتند. فراموش کردند و به آن عمل نکردند. شعار خوب دادند و از این شعارها بهره‌برداری سیاسی برای خودشان کردند. آن ظرفیت اصلاً استفاده نشد. ظرفیت موجود در ایران ملتی بودند که همچون موج با دستور و

بوتانیم یک کمرشکن تهیه کنیم. یک صبح تا غروب طول کشید تا آن نفربر را منتقل کنیم. اولین مسئله‌ای که در جنگ مهم است بحث جابه‌جایی امکانات، تان و نیرو... و است. تا بتوانیم کاری را انجام دهیم. اگر دشمن به جایی حمله کرد باید بروی در روبروی دشمن در منطقه حاضر شوی از دور که نمی‌شود. جابه‌جایی این گونه هم حتی در تان به صورت برنامه‌ریزی شده و سرعت بالا نبود.

امام وقتی بحث جنگ جنگ تا رفع فتنه را بیان می‌کند، گویی طبل دفاع و جهاد را در سراسر کشور به صدا درمی‌آورد. نقل قول سردار علایی فرمانده اسبق نیروی درپای سپاه پاسداران را مطرح می‌کنم. ایشان می‌گویند این طبل فقط از سوی رهبری یعنی امام زده شد.

دولت شعار جنگ می‌دهد اما در جنگ حضور ندارد. نظر شما در این خصوص چیست؟

در طول تاریخ بعد از انقلاب اگر واقع‌بررسی کنید، همیشه می‌بینید امام و رهبری راه ر وقت به مواردی اشاره کردند، مردم و ملت آمدند در رأس قرار گرفتند و همت کردند و صدای طبل را شنیدند و حرکت کردند. اما برخی از مسئولان ادای شنیدن صدای طبل را در آوردند و آن هم در جهت بهره‌برداری‌های خودشان. شاید این سخن من برای خیلی‌ها هم خوشایند نباشد اما حقیقت تلخی است.

همین الان هم رهبری راه را نشان می‌دهد. مسئولان با ریبازی می‌خواهند بگویند ما همراهیم که نیستند تنها کسی که در رکاب ولایت و رهبر است ملت است.

اگر مسئولان چه در زمان دفاع مقدس چه اکنون از صدرصد کارایی‌شان فقط ۶۰درصد را عملی و به کارگیری کنند، هم در دفاع مقدس نتایج بسیار فرق می‌کرد که در رکاب ولایت می‌شد. آمریکا که در بعد از پیروزی انقلاب همواره مشغول تهدید است. علاوه بر تهدید عمل هم می‌کند، کشتار و ترور... انجام داد اما به نتیجه نرسید چرا؟ چون این ملت نتوانستند همین ملت شایستگی‌های خیلی از مسائل را دارند که به علت عدم هماهنگی مسئولان هنوز دسترسی نداشتند. اگر مسئولان چه در زمان دفاع مقدس و چه اکنون از صدرصد همگامی ملت و رزمندگان را در مسائل را در اختیار نداشتند، اما خیلی جاهادولت‌ها زور می‌زند تا ملت را همگام کنند. اما در ایران چه در زمان دفاع مقدس چه اکنون ملت خیلی جلوتر از مسئولان حرکت می‌کنند.

یکی از مسئولان می‌گوید در دفاع مقدس ما نتوانستیم از ظرفیت‌های کشور استفاده کنیم. روزی هم که خواستیم این کار را بکنیم خیلی دیر شده بود. نظر شما در این خصوص چیست؟
در داخل ایران خیلی‌ها آمدند خودشان را متولی خیلی از امور معرفی کردند اما آن وظیفه‌ای را که در قبال متولی بودند نداشتند. فراموش کردند و به آن عمل نکردند. شعار خوب دادند و از این شعارها بهره‌برداری سیاسی برای خودشان کردند. آن ظرفیت اصلاً استفاده نشد. ظرفیت موجود در ایران ملتی بودند که همچون موج با دستور و

گزارش

گزارش «جوان» از زیارت مزار شهدای گمنام در گوشه‌ای از جنوب شهر تهران

مردم از همجواری با امامزادگان عشق خر سندند

زیادی نداشت. اما یادم می‌آید چطور رزمنده‌ها برای آرامش ما به جبهه می‌رفتند. ما به آنها مدیون هستیم و خوشحالم که محله ما ۱۰ سالی است میزبان قیوم این شهداست. سؤال بعدی‌ام از خانم رحیمی در این مورد بود که تا به حال نذری برای این شهپدا داشته است؟ که پاسخ داد: بله من اولین بار برای اینکه در مساجد نذری بدهم به جبهه‌ها بودم. پیش خدا ارج و قرب شهدا متوسل شدم. البته معمولاً مردم ایران به امام (رضاع)، حضرت معصومه(س) و امامزاده‌های دیگر دخیلی می‌بینند اما این شهپدا هم مسیر حق را رفتند و چون کارشان برای خدا بوده، پیش خدا ارج و قرب دارند. من به شخصه به حرمت خون شهپدا اعتقاد دارم. به نظرم ارج و قرب زیادی در درگاه خدا دارند.

دو، سه نفر نوجوان در نیمکتی که بافاصله چندمتری از زیارتگاه کنکور قبول شومم به حرمت و آبروی این شهپدا تکیه داده به دیوار مسجدی است که در کنار زیارتگاه شهپدا حال و هوای خاصی را به این بخش از پارک قائم می‌بخشد. این نوجوان‌ها علی، مهدی و ناصر تقریباً همگی ۱۷ الی ۱۸ سال هستند. علی بسیجی است اما دو دوست دیگرش عضویت رسمی در بسیج ندارند.

مهدی در خصوص زیارتگاه شهپدا و توجه مردم به این قبور می‌گوید: من خیلی برای شهپدا احترام قائلم. سنم به زمان جنگ نمی‌رسد. اما فکر می‌کنم مردم حق دارند که به این شهپدان نذر و نیاز کنند. کسانی که به خاطر کشور و خدابه جبهه رفته‌اند حتماً می‌توانند



برای استجابت دعای مردم شفیع شوند. پدر خودم هم در سربازی به جبهه رفته و هم بعد از پایان خدمت به صورت بسیجی در مناطق جنگی بوده و اکنون در جرحیات جنگی دارد.

سؤالتم از چند نفر دیگر تقریباً چنین پاسخ‌هایی را دریافت کرد. جالب این بود که همه پرسش‌شوندگان معتقد بودند که در ارج و قرب شهپدا نذر خدا شکی ندارد و به نظر آنها شهپدا صرف نظر از کاری که برای حفظ تعامیت کشور انجام داده‌اند، هاله‌ای از تقدس مذهبی نیز در خود دارند که این تقدس شهپد و خون شهپدا ریشه در باورها و فرهنگ این مردم دارد. سفر کوتامنم به گلزار شهپای گمنام پارک قائم، طبق معمول با قراوت فاتحه‌ای برای این شهپدای گمنام پایان یافت. در حالی که صحبت‌های آقای میزایی از اهالی شهرک صاحب‌الزمان (عج) که فاصله کمی با زیارتگاه پنج شهپد گمنام دارد، شاید مقطعی زیبا باشد بر این گزارش: خیلی‌ها هستند که از رفتن به گورستان‌هایبزرگ یا اگر بگویید فقط یک جسد از زیر درخت‌های این پارک پیدا شده، خیلی‌هایم ترسند یا بدشان می‌آید که بار دیگر از اینجا عبور کنند. اما شهپدا نذر مردم آن قدر ارج و قرب دارند که نه تنها اهالی اینجا از دفن آنها در نزدیکی خانه‌های‌شان ناراحت نیستند، بلکه خیلی‌ها اعتقاد دارند آن شهپدا، سه محله برکت داده و انگار که امامزاده‌هایی را در نزدیکی منزل‌شان داشته باشند، از صمیم قلب خوشحالند

یقین خواهد بود.»

حالا این سخن امام در تمامی گلزار شهپای مناطق مختلف کشور عینیت یافته‌است. برای اینکه تنها به دیدهام اکتفا نکنیم از خانم نسبتاً جوانی که مزار شهپدا را زیارت می‌کرد پرسیدم: ضمن معرفی خودتان بگویید احساس شما در مورد این زیارتگاه چیست؟ گفت: من راحله رحیمی ۲۳ ساله هستم که زمان جنگ سن

جدول سودوکو

ارقام ۱تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه‌درسه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۴۳۴۲

۷	۳		۲		
			۱	۹	
		۵	۲	۹	
				۸	
		۵	۹		۶
			۲	۷	۴
			۲	۵	
		۸	۷		۶
			۲	۹	۱

۱	۸	۳	۶	۷	۱	۵			
۳	۸	۵	۳	۸	۱	۷	۶		
		۷	۳	۵	۱	۸	۳		
		۳	۸	۱	۵	۶	۷		
		۸	۱	۷	۳	۳	۸	۶	۵
		۶	۵	۷	۸	۱	۳	۸	۳
		۸	۳	۳	۵	۷	۱	۸	۳
		۳	۶	۱	۸	۷	۳	۸	۳
		۱	۷	۳	۵	۱	۳	۸	۳
		۵	۷	۱	۳	۸	۳	۸	۳
		۱	۷	۳	۵	۱	۳	۸	۳
		۵	۷	۱	۳	۸	۳	۸	۳
		۱	۷	۳	۵	۱	۳	۸	۳
		۵	۷	۱	۳	۸	۳	۸	۳
		۱	۷	۳	۵	۱	۳	۸	۳
		۵	۷	۱	۳	۸	۳	۸	۳